

اثر ویژگی‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه بر الگوهای کلان اقتصادی

نویسنده: دکتر مرتضی ایمانی‌راد

چکیده

کشورها، بویژه ممالک در حال توسعه، برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود، باید اثربخشی سیاست‌های اقتصادی و نوع آنها را شناسایی کنند. انجام این کار با مشکلاتی همراه است که معمولاً سیاست‌گذاران اقتصادی برای رفع آن از الگوهای مرسوم کلان اقتصادی بهره می‌گیرند و سیاست‌های لازم اقتصادی را تدوین می‌کنند. چون این الگوهای متعارف، معمولاً با ویژگی ساختاری کشورهای در حال توسعه انطباق ندارد، سیاست‌های اقتصادی استخراج شده از آنها نتایج معکوس و گاه زیانباری برای این کشورها به بار می‌آورد. در این مقاله اثر ویژگی‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر منحنی‌ها و مدل‌های اقتصاد کلان بررسی می‌شود. در این بررسی ابتدا اثر این ویژگی‌ها بر شیب و موقعیت منحنی‌های IS، LM و BP ارائه شده، آنگاه به طور خلاصه فرایندهای ساختاری اقتصاد و اثر آنها بر تعادل عمومی کلان اقتصادی کشورهای در حال توسعه مورد بحث قرار گرفته است. این مباحث، به منظور بهسازی اقتصادی، می‌تواند به طراحی سیاست‌های لازم و مؤثر کمک کند و در عین حال پایه مقالات و تحقیقات دیگری نیز باشد.

شده‌اند، از نظر روش‌شناسی دارای دو ویژگی می‌باشند:

۱- ویژگی اول اینست که هر یک از نظریات اقتصادی بر پایه آگزیوم‌های مشخصی

در ادبیات اقتصاد کلان، به منظور توضیح

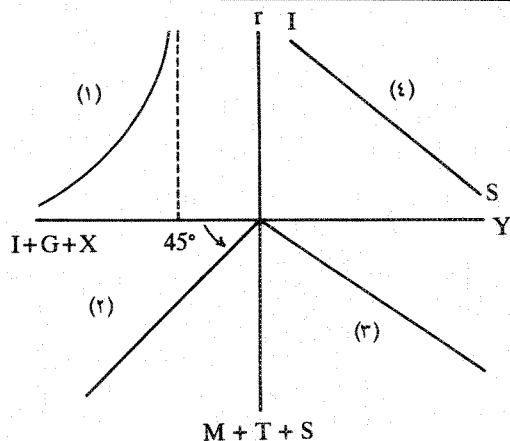
پدیده‌های اقتصادی، از منحنی‌هایی به عنوان ابزار علمی بهره‌گیری شده است. بحث‌های اقتصاد کلان که عمدتاً به صورت نظریه‌های اقتصادی عرضه

است که در بسیاری از نظریات اقتصادی کلان، بازارهای خاصی مفروض است و تحلیل‌های اقتصادی، براساس ساختار آن بازارها انجام می‌گیرد. عدم گسستگی در بازارهای مختلف، از قبیل بازار کار، بازار پول، بازار کالا، گستردگی اقتصاد پول، گسترش قابل توجه بخش صنعت و ... از مفروضاتی است که در نظریات اقتصاد کلان بدیهی تلقی شده است و در استنتاجات نظری به آنها ارجاع نمی‌گردد. یکی از دلایل این عدم توجه این است که بازارهای کشورهای صنعتی شده، دارای ویژگی‌های مزبور هستند و چون نظریات اقتصادی، عمدتاً در جهت رفع مشکلات اقتصادی این کشورها شکل گرفته‌اند، بناچار با شرایط دیگری درگیر نشده‌اند. ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی شده، متفاوت است. مثلاً بازارهای پولی این کشورها، عمدتاً توسعه نیافته و دوگانه است. در بازار کار نیز دوگانگی مشاهده می‌شود. یعنی بخش رسمی و غیررسمی، با قانونمندیهای مختلف در کنار هم فعالیت می‌کنند. این شرایط، وضعیت و شیب منحنی‌های مرسوم اقتصاد کلان را تغییر می‌دهد. با این تغییرات، سیاست‌گذاری اقتصادی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و جهت‌گیری، تعیین نوع سیاست و میزان اثرگذاری آنها نیز متفاوت می‌شود. بنابراین باید ویژگی‌های یاد شده، به بحث‌های اقتصاد کلان راه یابد تا با کمک آنها بتوان به سیاستهای مناسب‌تر اقتصادی دست یافت.

استوار است که این آگزیوم‌ها نیازی به اثبات ندارد و از نظر طراح نظریه، بدیهی تلقی می‌شود. مثلاً اینکه مصرف‌کننده به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود می‌باشد، یک آگزیوم است و معمولاً پایه بسیاری از نظریات اقتصادی قرار گرفته است. اگر آگزیوم‌ها صحیح نباشد، همه نظریاتی که بر آن پایه استوار است، نمی‌تواند در رسیدن به اهداف اقتصادی مفید باشد.

۲- نظریاتی که تدوین می‌شوند به بسط و توضیح نیاز دارند. منحنی، ابزار سودمندی است که برای توضیح و بعضاً استدلال نظریات به کار می‌رود و در قرن بیستم در علم اقتصاد، بسیار گسترده شده است. گرچه این منحنی‌ها در قالب یک نظریه خاص به کار گرفته می‌شوند، ولی با مفروضات ویژه‌ای ترسیم می‌گردند. مثلاً پیوستگی منحنی، فرض ضمنی بسیاری از منحنی‌های دانش اقتصاد است. عدم دخالت زمان در تحلیل‌های ایستا، خطی بودن بسیاری از منحنی‌ها و شکل خاص برخی از آنها، مفروضات دیگری است که در علم اقتصاد جا افتاده و پذیرفته شده است. همچنین، شیب این منحنی‌ها به‌طور معمول و متعارف و براساس مفروضات خاص ترسیم می‌گردد.

موضوع این مقاله به ویژگی دوم نظریات اقتصادی مربوط می‌شود و از مفروضات استفاده شده در آن، عمدتاً به شیب منحنی‌های مرسوم در اقتصاد کلان می‌پردازد. اهمیت بحث در اینجا



نمودار ۱- استخراج منحنی IS

شیب منحنی سرمایه‌گذاری، به دلایل زیر در کشورهای در حال توسعه زیاد است:

الف - در این کشورها، بازارهای پس‌انداز توسعه نیافته، و سیستم بانکی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته گسترش نیافته است. در این شرایط بخش قابل توجهی از پس‌اندازها، خارج از نظام پولی جامعه و در بازارهای غیررسمی کانالیزه می‌شود و برای مصارف سرمایه‌گذاری در یک مکان جمع نمی‌گردد.

ب - بخش قابل توجهی از منابع تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های صنایع کوچک و متوسط، از سود انباشته شده آنها تأمین می‌شود. بنابراین، با سطح نرخ بهره جامعه، رابطه‌ای ندارد. بخش دیگری از این صنایع نیز به پس‌انداز خانوارهایی که با هم نسبت خویشاوندی دارند، متکی است. در این کشورها، بویژه در بخش توسعه نیافته اقتصاد، فعالیت‌های اقتصادی با روابط فAMILI به هم گره خورده است. به همین دلیل، بدون ملحوظ داشتن

برای بررسی مطالب یاد شده، ادامه این مقاله به منحنی‌های IS، LM و BP می‌پردازد و مختصراً تعادل عمومی را مورد بحث قرار می‌دهد، آنگاه ویژگی‌های رفتاری کشورهای در حال توسعه و اثر آنها بر الگوهای اقتصاد کلان در چهار بازار کالا، پول، کار و ارز بررسی خواهد شد.

بازار کالا

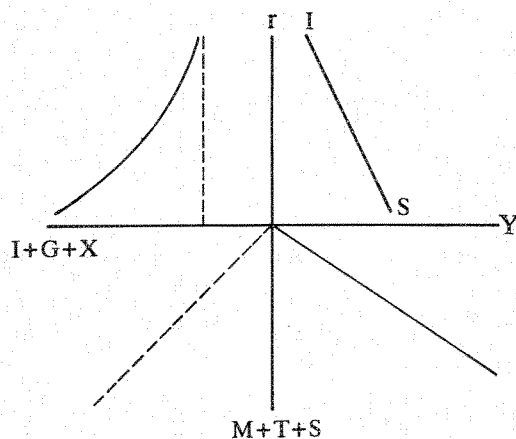
به شرطی در بازار کالا تعادل ایجاد می‌شود که جمع کل نشت‌ها از جریان درآمدی، برابر با جمع کل تزریق‌ها باشد. این تعادل در ادبیات متعارف اقتصاد کلان با رابطه زیر نشان داده می‌شود:

$$X + G + I = M + T + S \quad (1)$$

برای نشان دادن تعادل در بازار کالا از الگوی هیکس استفاده می‌شود. در اینصورت منحنی IS نشان‌دهنده مکان هندسی نقاطی است که در نرخ بهره و سطح درآمد مشخص، دو طرف رابطه (۱) با یکدیگر برابر شوند. همانطور که در نمودار ۱ مشخص می‌باشد، شیب منحنی IS به شیب منحنی‌هایی وابسته است که در قسمت‌های (۱) و (۳) نمودار ۱ نشان داده شده است. شیب منحنی IS به دو چیز بستگی دارد. از یک طرف عمدتاً به حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره، و از طرف دیگر به تمایل نهایی مصرف‌کنندگان به مصرف درآمد آنها. بنابراین اگر بخواهیم در کشورهای در حال توسعه، به تخمین معقولی از شیب منحنی IS دست یابیم، باید این دو مورد را بررسی کنیم.

را ترمیم کند، ولی شیب منحنی IS، به دلیل ویژگی‌های مذکور، در مقایسه با وضعیت این منحنی در کشورهای صنعتی شده، زیاد است. مطمئناً هرچه بازار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، توسعه یافته‌تر و پیچیده‌تر باشد، شیب منحنی نیز به همان نسبت ملایم‌تر می‌شود.

تجارت خارجی نیز موقعیت منحنی IS را متأثر می‌کند، ولی اثر آن بر منحنی محدود است. ویژگی‌های رفتاری، شیب منحنی IS را تغییر می‌دهد و آن را تقریباً به شکل نمودار ۲ درمی‌آورد.



نمودار ۲- استخراج منحنی IS در کشورهای در حال توسعه

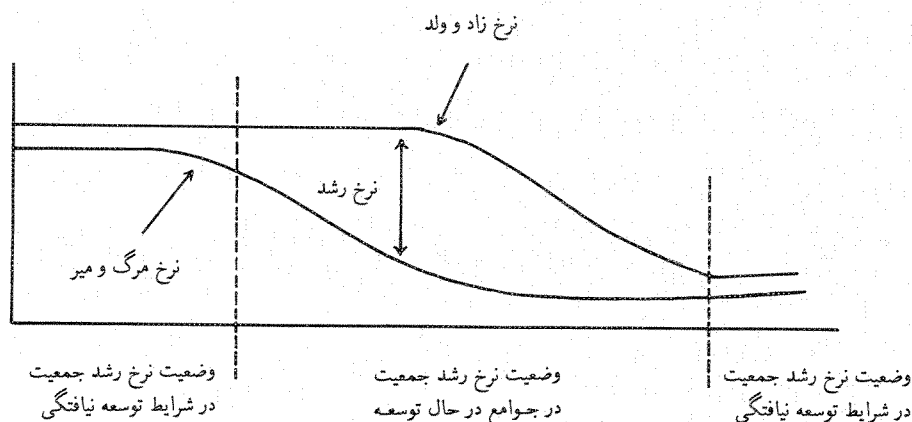
عوامل مؤثر بر موقعیت منحنی IS

منحنی IS در اثر تغییر متغیرهای برونزا حرکت می‌کند و دارای موقعیت جدیدی می‌شود. تغییر در صادرات، هزینه‌های دولتی، سرمایه‌گذاری مستقل و ... موقعیت منحنی IS را

ملاحظات صرف اقتصادی، پس‌انداز خانوارها به سوی فعالیت‌های اقتصادی سرازیر می‌شود. البته این مسأله، عمدتاً در بخش کمتر توسعه یافته اقتصاد و آنهم برای صنایع کوچک و متوسط صادق است، هرچند نباید این مسأله را نادیده گرفت که بخش قابل توجهی از صنایع و واحدهای دیگر اقتصادی این کشورها، در زمره صنایع کوچک و متوسط قابل طبقه‌بندی هستند.

ج - واحدهای اقتصادی بزرگ این کشورها، عمدتاً یا دولتی هستند یا وابستگی شدیدی به دولت دارند. واحدهای دولتی منابع سرمایه‌گذاری خود را از طریق بودجه دولتی تأمین می‌کنند و واحدهای دیگر که به منابع بودجه‌ای وابسته نیستند، به نوعی از اعتبارات ترجیحی بهره‌مند می‌شوند. سوبسیدهای اعتباری از طریق نرخ‌های بهره ترجیحی، و سهمیه‌بندیها از طریق بانک‌های توسعه، نمونه‌ای از این واقعیت است. گرچه امکان دارد که بسیاری از صنایع به سیستم بانکی تجاری وابسته باشند و سرمایه‌گذاری در آنها نسبت به نرخ بهره بانکی حساس باشد، ولی در شرایط توسعه نیافتگی، سهم این واحدهای اقتصادی در کل اقتصاد زیاد نیست.

این سه مورد موجب می‌شود که حساسیت منحنی سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کم باشد. بنابراین شیب آن زیاد می‌گردد. شیب زیاد این منحنی، منحنی IS را تغییر می‌دهد و از این رو شیب منحنی IS نیز زیاد می‌شود. گرچه میل نهایی به مصرف در کشورهای در حال توسعه بالا است و این مسأله موجب می‌گردد که شیب زیاد منحنی IS



نمودار ۳- وضعیت نرخ رشد جمعیت در جوامع مختلف

چشمگیری رویه‌رو هستند.

جمعیت‌شناسان، درباره عوامل رشد جمعیت این کشورها، بحث‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند و اختلاف نظرهای بسیاری با یکدیگر دارند. ولی همگی متفق‌القولند که جمعیت این کشورها، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، به دلیل وضعیت در حال گذر آنها، دارای رشد نسبتاً بالایی است. جداول ۱ و ۲، این مطلب را تأیید می‌کند.

فشار جمعیت با نرخهای حدود ۳ درصد، در اقتصاد، تقاضای قابل توجهی ایجاد می‌کند. این تقاضاها اولاً معطوف به کالاهای اساسی و اولیه است، ثانیاً بیشترین اثر خود را بر افزایش مصرف مستقل در جامعه می‌گذارد. همچنین دولت نیز برای تأمین احتیاجات اولیه عمومی جمعیت اضافه شده، مجبور به افزایش هزینه‌های خود می‌شود.

تغییر می‌دهد. در این بخش نشان داده می‌شود که در کشورهای در حال توسعه، ویژگی‌های رفتاری خاصی وجود دارد که به مرور زمان و به طور مستمر منحنی IS را به سمت جلو (راست) حرکت می‌دهد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف - کشورهای در حال توسعه از نظر جمعیتی در وضعیت انتقالی^۱ به سر می‌برند. در این وضعیت جمعیت با نرخ رشد نسبتاً بالایی افزایش می‌یابد. نمودار ۳، این وضعیت را نشان می‌دهد.

چون کشورهای در حال توسعه در کاهش زاد و ولد موفق نبوده‌اند، مکانیسم‌های موجود جامعه، برای ایجاد تعادل توسعه یافتگی در جمعیت فاقد کارآیی لازم است. به همین علت، این کشورها تا رسیدن به سطح معقولی از توسعه یافتگی، با جمعیت بالا و نرخ رشد جمعیت

چنین پدیده‌ای با این ویژگی‌ها در کشورهای صنعتی شده به چشم نمی‌خورد. تقاضای کل ناشی از جمعیت اضافه شده و هزینه‌های دولت، لزوماً به طور مستمر فزاینده نیست و در این کشورها برای کنترل هزینه‌ها در جهت سیاست‌گذاری اقتصادی، دولت استقلال بیشتری دارد. بنابراین در شرایط خاصی دولت در کشورهای صنعتی شده می‌تواند هزینه‌های خود را به منظور کاهش فشار تقاضای کل در اقتصاد، پایین بیاورد.

از آنچه که گفته شد، می‌توان ویژگی بازار مالی را در کشورهای در حال توسعه در چهارچوب منحنی IS بدین شرح خلاصه کرد که: اولاً شیب منحنی IS زیاد است و میزان آن به درجه توسعه یافتگی و صنعتی شدن اقتصاد بستگی دارد، ثانیاً در اقتصاد این کشورها نیروهایی وجود دارد که به مرور زمان منحنی IS را به سمت راست حرکت می‌دهد. این نیروها به دلیل توان زیادی که در جامعه دارند، حرکت فزاینده هزینه‌های دولتی و مصرف مستقل را تثبیت می‌کنند.

جدول ۱ - نرخ زاد و ولد در گروه کشورها در سال ۱۹۸۴

کشورهای با درآمد پایین	۲۹	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای با درآمد متوسط	۳۳	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای با درآمد متوسط متمایل به پایین	۳۷	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای با درآمد متوسط متمایل به بالا	۳۰	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای صادرکننده نفت	۴۲	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای صنعتی شده	۱۴	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت
کشورهای اروپایی (غیرآزاری)	۱۹	نفر از هر ۱۰۰ نفر جمعیت

منبع:

World Development Report 1986, World Bank

بنابراین از نظر مصرف مستقل و هزینه‌های دولتی ناشی از افزایش جمعیت، قاعدتاً در اقتصاد باید شاهد حرکت مستمر منحنی IS، به سمت راست باشیم.

ب - هزینه‌های دولت در کشورهای در حال توسعه به دلایل متعددی رو به افزایش است. اول اینکه افزایش جمعیت موجب می‌شود که نیازهای عمومی و تأمین اجتماعی جامعه افزایش یابد و این پدیده در افزایش هزینه‌های دولتی تأثیر می‌گذارد. گسترش خدمات تأمین اجتماعی، آموزشی و ایجاد مراکز آموزشی، همچنین تهیه و توزیع کالای عمومی موجبات افزایش هزینه‌های دولتی را فراهم می‌آورد. دوم، افزایش شهرنشینی که در کشورهای در حال توسعه بسیار شدید است، به روند فزاینده هزینه‌های دولتی کمک می‌کند. سوم، عدم کارآیی دولت، که پدیده بیشتر کشورهای در حال توسعه است، زمینه گسترش هزینه‌های دولتی را بوجود می‌آورد. همچنین عملکرد سیاسی دولت، بر عملکرد اقتصادی بسیاری از کشورها غالب است. بنابراین فشار دولت برای افزایش هزینه‌ها بیشتر می‌شود.

موارد یاد شده موجب می‌گردند که بودجه دولت و بخش قابل توجهی از تقاضای بالفعل جامعه، انعکاسی باشد از شرایط خاص این کشورها. به همین دلیل بودجه دولت در کشورهای در حال توسعه، برای سیاست‌گذاری مالی معمولاً فاقد توانایی لازم است. این مسائل باعث می‌شود که تحت تأثیر فشارهای موجود در جامعه، شاهد افزایش مستمر تقاضا و حرکت منحنی IS باشیم.

جدول ۲- نرخ رشد جمعیت بین سالهای ۸۰-۱۹۷۰ (سالانه) به درصد برای گروه کشورها

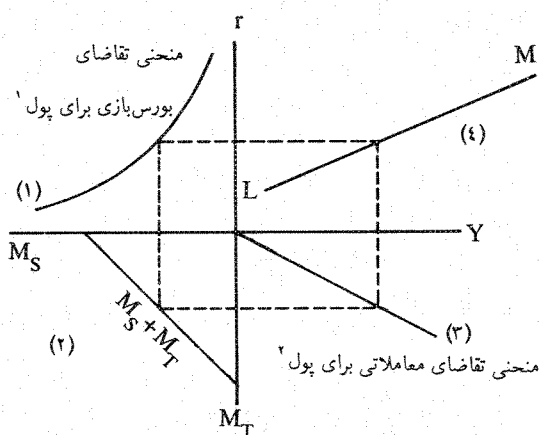
۲/۲ درصد	کشورهای در حال توسعه
۲/۱ درصد	در حال توسعه - با درآمد پایین
۲/۵ درصد	در حال توسعه - با درآمد متوسط
۵/- درصد	در حال توسعه - با درآمد بالا (صادرکننده نفت)
۰/۸ درصد	کشورهای توسعه یافته
۰/۸ درصد	با بازار آزاد
۰/۸ درصد	بدون بازار - کشورهای اروپای شرقی
۱/۹ درصد	نرخ رشد برای تمام جهان

منبع: Word Bank, 1981 Word Bank Atlas, Washington D.C World Development Report 1982.

بازار پول

اندازه کافی گسترش نیافته و به همان نسبت نیز تقاضای بورس‌بازی برای پول، توسعه نیافته است. گذشته از اینکه در بخش توسعه نیافته اقتصاد این کشورها، مبادلات پولی هنوز شکل نگرفته، در بخش کمتر توسعه یافته اقتصاد نیز معاملات

در ادبیات اقتصاد کلان، تعادل در بازار پول و ویژگی‌های این بازار با منحنی LM نشان داده شده است. منحنی LM با توجه به مفروضات آن، نشان‌دهنده مکان هندسی نقاطی است که عرضه و تقاضای پول را در یک نرخ بهره و سطح معینی از درآمد ملی برابر می‌کند. منحنی LM و روش ترسیم آن در نمودار ۴ نشان داده شده است.

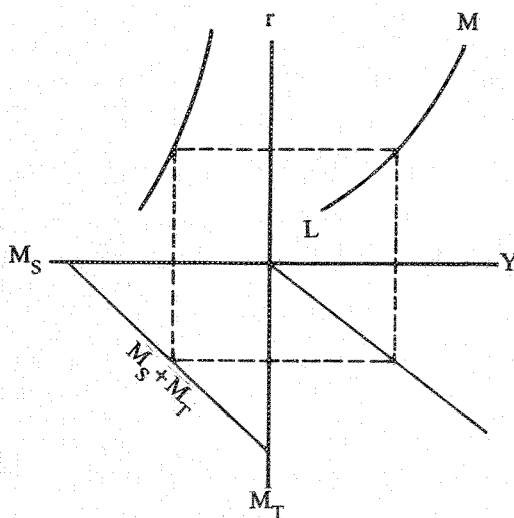


نمودار ۴- استخراج منحنی LM

همانطور که در نمودار ۴ دیده می‌شود، شیب منحنی LM وابسته به حساسیت تقاضای بورس‌بازی پول به نرخ بهره است. هرچه این حساسیت کمتر باشد، منحنی تقاضای بورس‌بازی برای پول، دارای شیب بیشتر و به عبارت دیگر دارای کشش‌پذیری کمتری نسبت به نرخ بهره می‌شود. همچنین توضیح داده شد که بازارهای پولی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به

1 - Speculative Demand For Money

2 - Transaction Demand For Money



نمودار ۵- استخراج منحنی LM
در کشورهای در حال توسعه

چیست، موضوع این مقاله نیست. ولی حقایق موجود، از افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌های این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و صنعتی شده حکایت می‌کند. جدول ۳ درصد تغییر سالانه تورم را در کشورهای در حال توسعه برای سالهای ۸۹-۱۹۸۱ نشان می‌دهد.

افزایش قیمت‌ها، منحنی LM را به طور مستمر به سمت چپ و بالا انتقال می‌دهد. دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر واقعیتهای

بورس‌بازی تکامل نیافته است. رویهم رفته نسبت دارایی‌های مالی، از جمله پول، نسبت به تولید ناخالص داخلی پایین است. واقعیت‌های یاد شده اثر خود را در شیب منحنی LM نشان می‌دهد. چون مناسبات پولی بخوبی گسترش نیافته است، بخش قابل توجهی از تقاضای پول را، تقاضای معاملاتی تشکیل می‌دهد و همین مسأله موجب می‌گردد که شیب منحنی تقاضای بورس‌بازی پول و شیب منحنی LM زیاد شود (نمودار ۵).

عوامل مؤثر بر موقعیت منحنی LM

عمدتاً دو عامل، بر موقعیت منحنی LM، اثر بیشتری دارند که یکی حجم پولی و دیگری سطح عمومی قیمت‌ها است. افزایش حجم پول در جامعه و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، منحنی LM را در یک جهت جابجا می‌کنند (به سمت پایین و راست). کاهش سطح عمومی قیمت‌ها به این دلیل که در حکم افزایش حجم پول واقعی است، منحنی LM را در جهت افزایش اسمی حجم پول، حرکت می‌دهد. ویژگی‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه، منحنی LM را به شرح زیر جابجا می‌کنند:
الف - قیمت‌ها در این کشورها به طور مستمر رو به افزایش است. اینکه عامل اساسی این افزایش

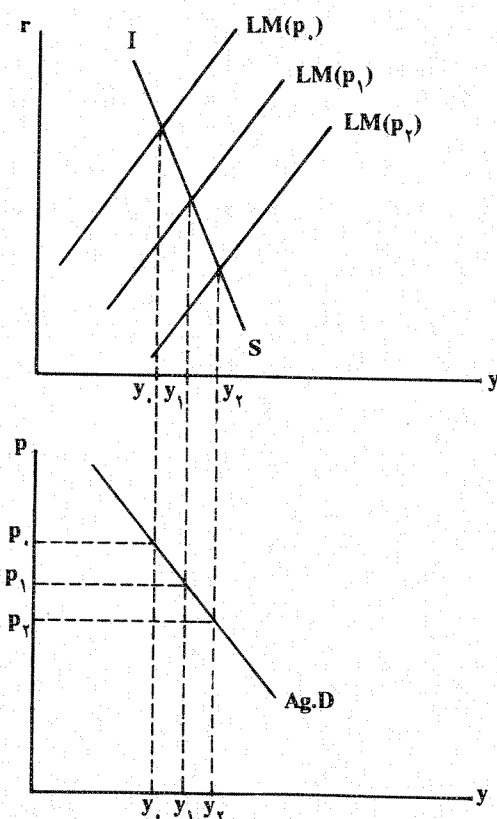
جدول ۳- درصد تغییر سالانه تورم در کشورهای در حال توسعه ۸۹-۱۹۸۱

سال	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹
درصد تغییر سالانه تورم*	۲۵/۸	۲۵/۲	۳۲/۴	۳۸/۲	۳۹/۷	۳۱/۱	۴۰/۵	۶۷/۱	۴۵/۵

منبع: International Monetary Fund (1989)

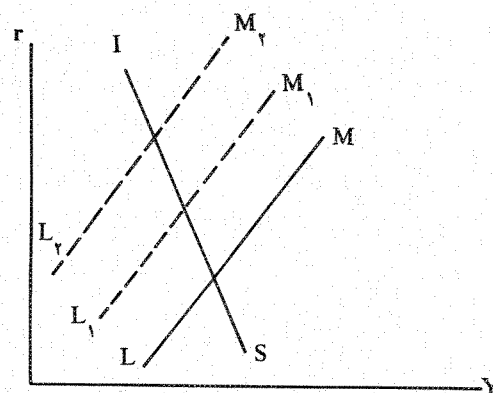
* نرخ تورم به قیمت‌های خریدار محاسبه گردیده و به طور متوسط موزون شده است.

موجود (حرکت منحنی LM و IS که در بخش پیش گفته شد)، دست به افزایش حجم پول می‌زنند تا از رکود فعالیتهای تولیدی جلوگیری نمایند. از اینرو گسترش نقدینگی جامعه نیز به پدیده‌ای مزمن تبدیل می‌شود و فعالیتهای اقتصادی این کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۱



نمودار ۷- استخراج منحنی تقاضای کل در کشورهای در حال توسعه

اینست که کشش پذیری منحنی تقاضای کل در کشورهای در حال توسعه نسبت به تغییرات قیمت، به دلیل شیب زیاد منحنی تقاضای کل، محدود است. از طرف دیگر همانطور که در مباحث قبلی مطرح گردید، نیروهای ساختاری این کشورها



نمودار ۶

حرکت منحنی LM در کشورهای در حال توسعه

مجموعهٔ مباحث مطرح شده در منحنی‌های LM و IS ما را به این نتیجه می‌رساند که شیب زیاد این دو منحنی موجب می‌گردد که شیب منحنی تقاضای کل نیز، که با استفاده از این دو منحنی استخراج می‌گردد، زیاد شود. نمودار ۷، این مطلب را نشان می‌دهد. نتیجه‌ای که از این شیب می‌توان گرفت

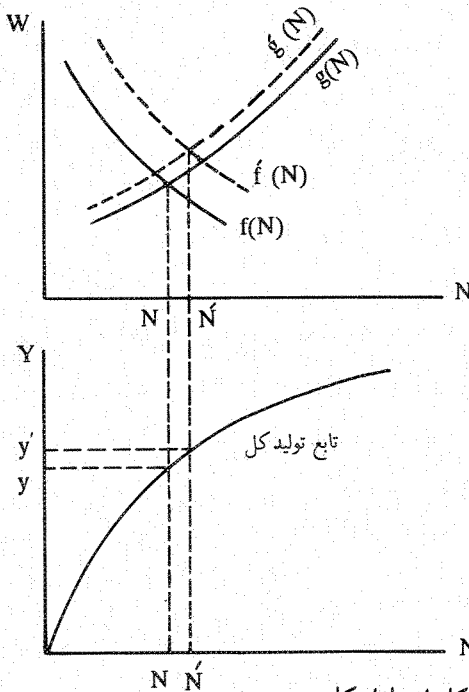
۱ - همانگونه که ملاحظه می‌شود سیاستهای انبساط پولی، معمولاً تحت تأثیر نیروهای ساختاری و پایدار اقتصاد در کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود، بنابراین عامل اساسی تورم به شمار نمی‌رود. با تغییر در حجم پول جامعه، مثلاً کاهش آن، در فعالیت کالایی انقباض بوجود می‌آید و همراه با مشکلات ساختاری؛ سیاستگزاران را مجبور به افزایش حجم پول می‌کند. این پدیده در سال ۱۳۷۰ در اقتصاد ایران شکل گرفته است و به نظر می‌رسد که دولت به دلیل فشارهای وارد شده از جانب بازار، مجبور به افزایش حجم پول در جامعه خواهد شد. این مطلب یکبار دیگر این نکته را یادآوری می‌کند که گسترش حجم پول، عامل اساسی تورم در کشورهای در حال توسعه نیست. بنابراین با سیاستهای تشیی، از قبیل کنترل حجم پول نمی‌توان در مهار کامل آن توفیقی بدست آورد.

قیمت از p به p_1 ، منحنی تقاضا برای نیروی کار از $f(N)$ به $\hat{f}(N)$ انتقال می‌یابد. این انتقال با این فرض انجام می‌شود که مدیران بنگاههای تولیدی از افزایش قیمت آگاهی دارند. ولی منحنی عرضه کار از $g(N)$ به $\hat{g}(N)$ انتقال می‌یابد و واکنش کمتری نسبت به تغییرات قیمت نشان می‌دهد. این مسأله نیز به دلیل وجود توهم پولی در میان عرضه کنندگان نیروی کار می‌باشد. زیرا فرض این است که کارگران، در مقایسه با کارفرمایان، از رابطه بین سطح دستمزدها و قیمت در بازار، درک درستی ندارند بنابراین با بالا رفتن قیمت‌ها عرضه کار خود را به نسبت کمتری کاهش می‌دهند. همانطور که نمودار ۸ نشان می‌دهد، منحنی عرضه کل با شیب مثبت و ملایم ترسیم شده است. شیب این منحنی

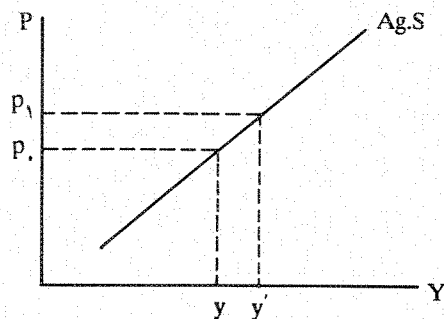
زمینه افزایش مستمر تقاضای کل را فراهم می‌کنند. این نیروها منحنی $Ag.D$ را به مرور زمان به سمت جلو و راست حرکت می‌دهند. این مسأله یکی از دلایل تورم در کشورهای در حال توسعه است که عمدتاً از بخش تقاضای اقتصاد ناشی می‌گردد.

بازار کار

بازار کار از عرضه و تقاضای نیروی کار تشکیل شده است و رفتار آن براساس واکنش بنگاههای اقتصادی نسبت به تقاضا برای نیروی کار و عرضه کار توسط کارگران، شکل می‌گیرد. در ادبیات اقتصاد کلان، منحنی عرضه کل در اقتصاد از فعل و انفعالات بازار کار استخراج می‌گردد. اساس استخراج منحنی عرضه کل در اقتصاد، به رفتار تقاضا کنندگان و عرضه کنندگان نیروی کار در قبال بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها بستگی دارد. به عبارت دیگر هرچه واکنش عرضه کنندگان کار، در قبال تغییرات قیمت‌ها کمتر، و برعکس واکنش متقاضیان نیروی کار بیشتر باشد، شیب منحنی عرضه کل در اقتصاد بیشتر می‌شود. همانگونه که در نمودار ۸ نشان داده شده است، با بالا رفتن



نمودار ۸- استخراج منحنی عرضه کل از بازار کار



می‌گیرد^۱. شیب ملایم منحنی‌های تقاضا و عرضه نیروی کار و وجود پدیده توهم پولی در کشورهای در حال توسعه، که عمدتاً به دلیل فقدان اطلاعات و سواد عمومی از تحولات اقتصادی - مخصوصاً در بخشهای کمتر توسعه یافته اقتصاد - وجود دارد، موجب می‌گردد که منحنی عرضه کل در اقتصاد دارای شیب کمی باشد. بنابراین عرضه کل در مقابل تغییرات قیمت‌ها، انعطاف پذیری بیشتری خواهد داشت. این در حالی است که واقعیات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه خلاف این مطلب را نشان می‌دهد. عرضه در این کشورها معمولاً دارای واکنش محدودی نسبت به تغییرات قیمت‌ها است و این واکنش محدود به دلیل محدودیت‌های تولیدی است که به طور عموم در این کشورها وجود دارد. این محدودیتها به قرار زیر است:

- الف - به دلیل رکود صادراتی این کشورها، کمبود ارز باعث می‌شود که واردات کالاهای واسطه‌ای صنایع مونتاژ با محدودیت مواجه گردد. کاهش ارز و کاهش واردات، منحنی عرضه صنایع مونتاژ را کجش ناپذیر می‌کند و به تبع کاهش واردات، کالاهای واسطه‌ای و همه عوامل تولید (به دلیل فقدان قابلیت جانشینی در صنایع وابسته به خارج) نیز دچار عدم کارایی می‌شوند.
- ب - بخش بزرگی از اقتصاد کشورهای در حال توسعه، از روشهای سنتی تولید و مبتنی بر

نیز به ویژگی‌های بازار کار و تابع تولید کل بستگی دارد. هرچه توهم پولی در بین کارگران بیشتر باشد، شیب منحنی عرضه کل کمتر می‌شود. بنابراین عرضه کل، در قبال تغییرات قیمت‌ها انعطاف پذیری بیشتری خواهد داشت. از طرف دیگر، چون منحنی عرضه کل از منحنی‌های عرضه و تقاضای نیروی کار استخراج شده است، از شیب آنها نیز متأثر می‌گردد. واقعیتهای موجود در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که هم اثر جانشینی و هم اثر درآمدی، موجب می‌شود که شیب منحنی عرضه نیروی کار ملایم و کم باشد. زیرا به دلیل فقر گسترده این کشورها و وجود تقاضاهای به تعویق افتاده، هر چه درآمدها بالاتر رود، نیروی کار به راحتی از عرضه خود کم نمی‌کند. هرچند ممکن است این مسأله در بین نیروی کار متخصص درست نباشد. ولی برای بخش وسیعی از نیروی کار غیرمتخصص و نیمه‌ماهر صادق است. همچنین هنگامی که در مورد عرضه کل نیروی کار صحبت می‌کنیم، مجموعه رفتار عرضه کنندگان نیروی کار، منحنی عرضه نیروی کار را با شیب ملایمی همراهی می‌کند. این مسأله در مورد تقاضا برای نیروی کار نیز صادق است. از آنجا که توابع تولید در بسیاری از واحدهای اقتصادی این کشورها، به دلیل توسعه نیافتگی عوامل تولید، جانشین پذیرند، با کاهش مزدها، استخدام نیروی کار به نسبت بالایی انجام

۱ - در مجموعه مباحث ارائه شده در این بخش دوگانگی بازار کار در کشورهای در حال توسعه، یعنی بازار کار برای نیروی متخصص و بازار کار برای نیروی کار ساده، نادیده گرفته شده است. این واقعیت استفاده مدلهای ساده شده و همگن از بازار کار را در این کشورها با مشکل مواجه می‌کند. ولی چون در نظر نگرفتن این دوگانگی در بازار کار به نتایج تحلیل لطمه‌ای نمی‌زند، از ذکر آن خودداری می‌شود.

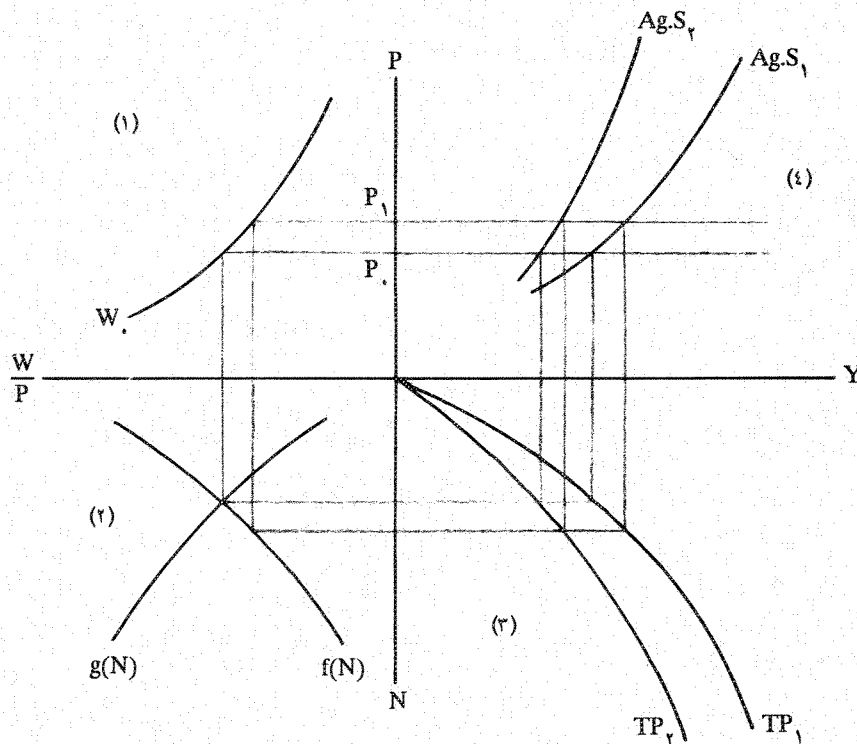
کشورهای در حال توسعه است. عدم زیربناسازی کافی، فعالیت واحدهای اقتصادی را محدود می‌کند و به‌طور کلی کارآیی را در واحد اقتصادی کاهش می‌دهد. قطع برق، فقدان راههای شوسه برای حمل و نقل کالاها و عدم وجود شبکه ارتباطی قوی به منظور مبادلات بازرگانی، نمونه‌ای است از تنگناهای زیربنایی این کشورها.

مجموعه این تنگناها، برای تولید تنگناهایی فراهم می‌کند و بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد. شاید اگر تابع تولید کل در کشورهای در حال توسعه با ارزش به عنوان یک نهاد نوشته شود، کارآیی بیشتری در مقایسه با نیروی کار داشته باشد. به هر حال وجود این محدودیتها،

تکنولوژی ساده استفاده می‌کنند. مدیریت در این واحدها سنتی است. به همین علت، واکنش تولید در قبال تغییرات قیمت بازار، محدود است. بنابراین وجود شیوه‌های سنتی اقتصاد، برای افزایش بهره‌وری نیروی کار، محدودیتی جدی به شمار می‌رود.

ج - نیروی متخصص نیز در کشورهای در حال توسعه کمیاب است. کمبود نیروی متخصص به نوبه خود موجب ایجاد تنگنای تولیدی می‌شود و بهره‌وری نیروی کار ساده و سایر عوامل تولید را کاهش می‌دهد.

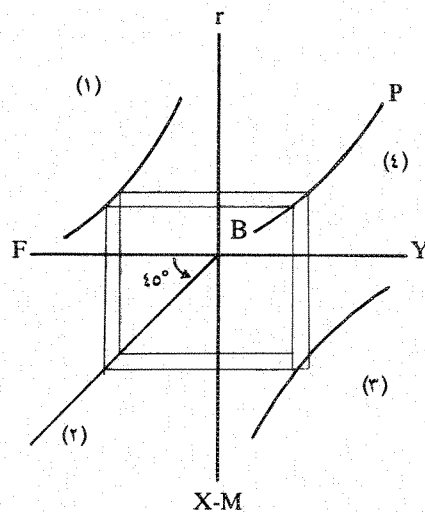
د - فقدان زیربناهای کافی انرژی، ارتباطات، حمل و نقل و غیره، از ویژگی‌های



نمودار ۹- اثر کاهش بهره‌وری نیروی کار بر منحنی عرضه کل

بازار ارز

همانگونه که در نمودار ۱۰ نشان داده شده است، در الگوهای اقتصاد کلان، تعادل در بازار خارجی با منحنی BP بیان می‌گردد. این منحنی نشاندهنده تعادل در تراز پرداختها در سطوح متفاوت نرخ بهره و درآمد ملی است. شیب این منحنی به کشش پذیری حساب سرمایه تراز پرداختها نسبت به نرخ بهره بستگی دارد. یعنی هرچه این منحنی (که در قسمت ۱ نمودار ۱۰ نشان داده شده است) دارای شیب کمتری باشد، شیب



نمودار ۱۰ - استخراج منحنی BP

منحنی BP نیز کمتر می‌شود و برعکس. در کشورهای در حال توسعه، به دلیل محدودیتهای ارزی، معمولاً نقل و انتقال سرمایه محدود است و این محدودیت، در شیب زیاد منحنی سرمایه دیده

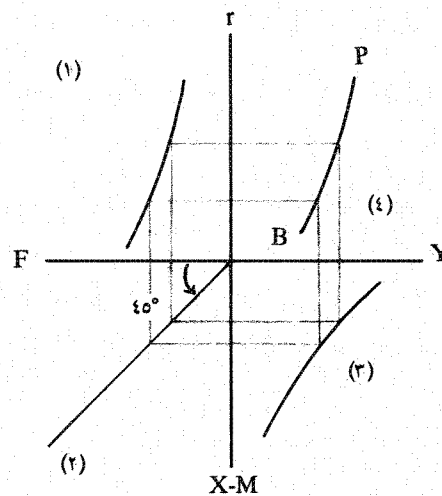
منحنی تولید کل را پایین می‌آورد و این به نوبه خود موجب حرکت منحنی عرضه کل به سمت چپ و با شیب بیشتر می‌گردد. این مسأله در نمودار ۹ نشان داده شده است. در قسمت ۳ نمودار، با کاهش بهره‌وری نیروی کار، در اثر محدودیت نهاده‌های غیرکاری مانند، انرژی، مواد اولیه و ...، منحنی تولید کل از وضعیت TP_1 به TP_2 انتقال می‌یابد و به تبع آن منحنی عرضه کل به $Ag.S_2$ نقل مکان می‌دهد. در این شرایط تولید با مقیاس کمتری در قیمت‌های ثابت و داده شده انجام می‌شود، و کشش پذیری تولید کل نسبت به تغییرات قیمت، محدود می‌گردد. بنابراین به طور خلاصه، ویژگی‌های بازار کار شیب منحنی عرضه کل را کم می‌کند و واقعیتهای موجود در بافت تولید نیز به شیب آن می‌افزاید. ولی براساس واقعیات موجود در این کشورها، میزان اثرگذاری ویژگی‌های بافت تولید بر ویژگی‌های بازار کار غالب است و این پدیده موجب می‌گردد که منحنی عرضه کل دارای شیب نسبتاً زیادی باشد. زیاد بودن شیب منحنی عرضه کل باعث می‌شود تا تغییرات تقاضا که در قسمت قبل به آن پرداخته شده، بر افزایش قیمت، بیش از افزایش تولید تأثیر داشته باشد. این مسأله یکی از دلایل اصلی افزایش تورم مستمر در کشورهای در حال توسعه است و ریشه آن در شیب زیاد منحنی عرضه کل و تقاضای کل، و حرکت منحنی تقاضای کل به طور مستمر به سمت جلو است.^۱

ب - تغییر در نرخ برابری پول داخلی در مقابل ارزهای خارجی
اگر سطح قیمت‌های داخلی از سطح قیمت‌های خارجی بالاتر رود، خالص صادرات $(X-M)$ کاهش می‌یابد. زیرا افزایش سطح قیمت‌ها موجب کاهش صادرات و افزایش واردات می‌شود. در این حالت، منحنی $X-M$ در قسمت (۳) نمودار ۱۱ به سمت بالا و چپ انتقال می‌یابد. به علت انتقال منحنی $X-M$ ، منحنی BP نیز به سمت بالا و چپ انتقال می‌یابد و وضعیت تراز پرداختها نابسامان‌تر می‌شود.

از سوی دیگر افزایش نرخ برابری بر منحنی BP اثر مشابهی دارد. زیرا با افزایش نرخ برابری، کالاهای داخلی برای خارجیان گران و کالاهای خارجیان برای مصرف‌کنندگان داخلی ارزان تمام می‌شود. بنابراین افزایش نرخ برابری، وضعیت تراز پرداختها را خراب‌تر می‌کند، اما کاهش نرخ برابری، وضعیت تراز پرداختها را بهبود می‌بخشد. نکته قابل توجه این است که حساب جاری تراز پرداختها نسبت به تغییرات نرخ برابری، واکنش محدودتری نشان می‌دهد. این مسأله، معلول واکنش محدود عرضه و تقاضا برای ارز، نسبت به تغییرات نرخ ارز است. در ادامه این بخش به این مسأله پرداخته می‌شود.

منحنی تقاضا برای ارز خارجی، نشاندهنده رفتار واردکنندگان کالا از خارج کشور است.^۳ این

می‌شود. به عبارت دیگر با تغییر نرخ بهره خارجی نسبت به نرخ بهره داخلی، نقل و انتقال سرمایه به خارج کشور و از خارج به داخل کشور با محدودیت انجام می‌گیرد. این واقعیت باعث می‌شود که شیب منحنی BP نیز افزایش یابد. در کشورهایی که نقل و انتقال سرمایه دارای محدودیتی جدی است، منحنی BP تقریباً به صورت عمودی می‌باشد. نمودار ۱۱، شیب منحنی فرضی BP را در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد.



نمودار ۱۱

استخراج منحنی BP در کشورهای در حال توسعه

عوامل مؤثر بر موقعیت منحنی BP

عوامل زیر به طور عمده موجب تغییر مکان منحنی BP می‌گردد.

الف - تغییر در سطح قیمت‌ها

1 - upvaluation

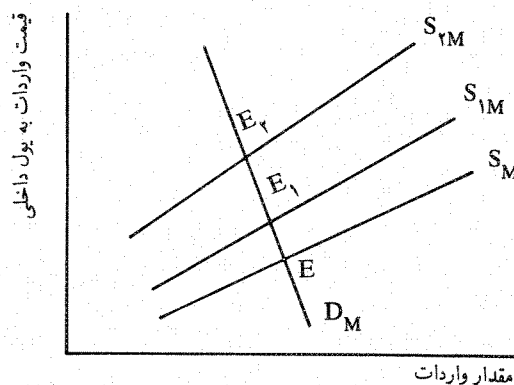
2 - devaluation

۳ - در این بخش عملیات حساب سرمایه نادیده گرفته شده است.

تبادل E_1 و E_2 نیز با نرخ ارز معینی، میزان واردات مشخص می‌گردد. این نمودار نشان می‌دهد که در هر نرخ ارز مشخصی میزان واردات و در نتیجه میزان ارز مشخصی تقاضا می‌شود که با داشتن آنها می‌توان منحنی تقاضا برای ارز خارجی را ترسیم نمود^۱. این منحنی در نمودار ۱۳ نشان داده شده است.

باتوجه به مکانیسم استخراج منحنی تقاضا برای ارز، مشخص است که شیب این منحنی به شیب منحنی D_M در نمودار ۱۲ وابستگی زیادی دارد. به عبارت دیگر برای پیدا کردن شیب منحنی تقاضا برای ارز خارجی در کشورهای در حال توسعه، باید رفتار تقاضا کنندگان داخلی را برای کالاهای خارجی بررسی کرد. واردات در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً شامل تسلیحات نظامی، مواد غذایی و دارویی و کالاهای واسطه‌ای است. این کالاهای معمولاً دارای کشش‌پذیری قیمتی محدودی است و با تغییر در قیمت جهانی آنها، میزان تقاضایشان، چندان تغییر نمی‌کند. کالاهای واسطه‌ای نیز به این دلیل که در فرایند تولید عامل مهمی است، در مقابل تغییرات قیمت در سطح جهانی، تغییر زیادی نمی‌کند. دلیل مهم این پدیده، فقدان قابلیت جایگزینی کالاهای داخلی و خارجی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بخش مهمی از واردات کالاهای کشورهای در حال توسعه، حساسیت کمی نسبت به قیمت‌های جهانی دارد. بر این اساس، شیب منحنی

منحنی، به کمک منحنی تقاضای کالاهای خارجی و منحنی عرضه کالا توسط خارجیان بدست می‌آید. در نمودار ۱۲ تقاضا برای واردات کالا با D_M و عرضه کالاهای وارداتی توسط خارجیان با S_M نشان داده شده است. نقطه E نیز تعادل این بازار را نشان می‌دهد که در نرخ ارزی مشخص، میزان واردات را معلوم می‌کند. حال اگر پول داخلی تضعیف شود، خارجییانی که واردات کشور را

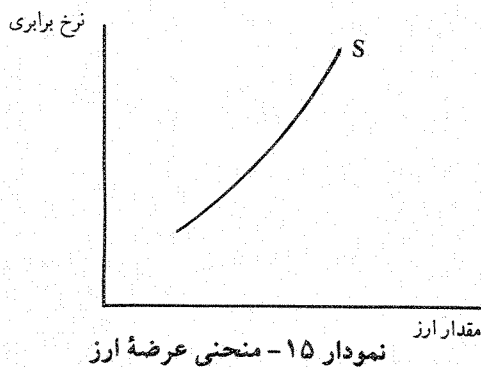


نمودار ۱۲ - عرضه و تقاضا برای واردات

تأمین می‌کنند، در مقابل هر واحد پولی که در این کشور بدست می‌آورند، پول کمتری (پول داخلی کشور خود) دریافت می‌کنند. از اینرو با تضعیف پول داخلی، عرضه کنندگان غیرایرانی واردات کشور، عرضه خود را کاهش می‌دهند. در این حالت، منحنی عرضه واردات از S_M به S_{1M} انتقال می‌یابد و نقطه تعادلی E نیز به E_1 تبدیل می‌شود. با تضعیف مجدد پول داخلی منحنی عرضه به S_{2M} و نقطه تعادل جدید در E_2 ایجاد می‌گردد. در نقاط

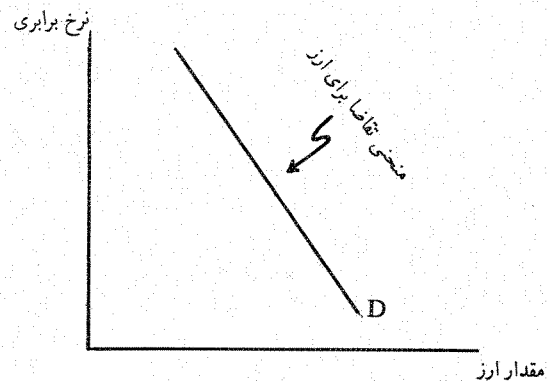
۱ - در این تحلیل فعلاً فرض می‌شود که تراز پرداختها فقط از حساب جاری تشکیل شده است.

هرچه پول داخلی تضعیف شود، تقاضا برای صادرات افزایش می‌یابد و منحنی تقاضا به D_{1X} و D_{2X} منتقل می‌شود و نقاط تعادلی جدید E_1 و E_2 بوجود می‌آید. این نقاط نشان‌دهنده نرخ ارز مشخصی است که موجب صادرات معینی می‌گردد. بنابراین می‌توان بین تغییرات نرخ ارز و میزان صادرات، یا به عبارت دیگر عرضه ارز رابطه‌ای مستقیم بدست آورد. این همان منحنی عرضه ارز است که در نمودار ۱۵ نشان داده شده است.

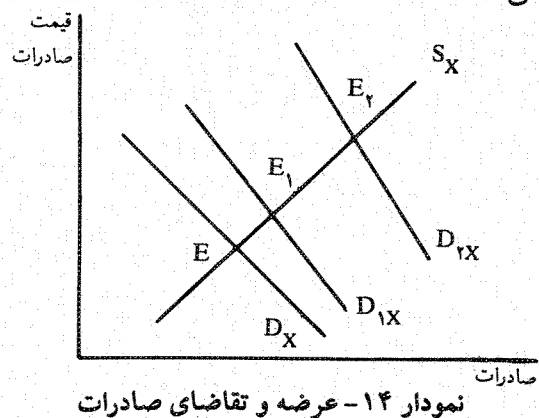


شیب منحنی S نیز به شیب منحنی S_X در نمودار ۱۴ وابسته است. هرچه شیب منحنی S_X بیشتر باشد، شیب منحنی S نیز بیشتر می‌شود. از آنجا که تولیدات صنعتی در کل صادرات کشورهای در حال توسعه جای کمی دارد، شیب منحنی S_X در کشورهای در حال توسعه زیاد می‌شود. زیرا صادرات مواد خام و کالاهای سنتی، بخش مهمی از صادرات کشورهای در حال توسعه را دربر می‌گیرد. صادرات کالاهای سنتی به سبب محدودیت تولید (به دلیل سنتی بودن روش تولید)، نسبت به تغییرات قیمت در بازارهای خارجی تغییرات محدودی دارد. صادرات مواد اولیه نیز،

در نمودار ۱۲ و شیب منحنی D در نمودار ۱۳ زیاد می‌شود.



اگر منحنی عرضه ارز را نیز استخراج کنیم، به نتیجه مشابهی دست خواهیم یافت. منحنی عرضه ارز، نتیجه عملکرد منحنی‌های تقاضای خارجی برای کالاهای داخلی و عرضه صادرات توسط تولیدکنندگان داخلی است (نمودار ۱۴). S_X در نمودار ۱۴ نشانگر رفتار عرضه کنندگان صادرات کشور است و منحنی D_X رفتار تقاضا کنندگان خارجی را برای صادرات نشان می‌دهد.



بررسی تعادل عمومی در کشورهای در حال توسعه

از بررسی شیب و موقعیت منحنی‌های IS، LM و BP می‌توان نتایج زیر را، به اختصار استخراج کرد:

الف - منحنی IS به دلیل عوامل شتاب‌دهنده تقاضا، به سمت راست در حرکت است و به مرور زمان تقاضای فزاینده‌ای به اقتصاد تحمیل می‌کند و سطح قیمت‌ها را بالا می‌برد.

ب - با بالا رفتن قیمت‌ها، حجم واقعی پول کاهش می‌یابد و از گسترش تولید جلوگیری می‌کند. این فشارها، دولت را به افزایش حجم پول وامی‌دارد و مجدداً تقاضا افزایش می‌یابد.

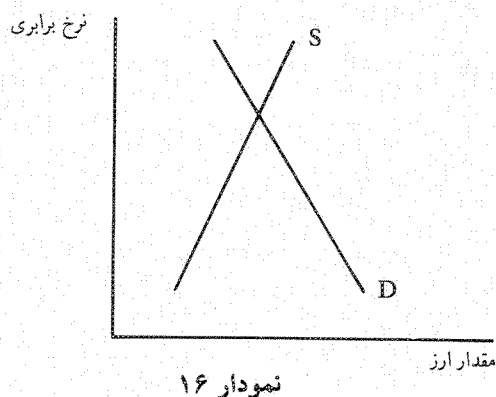
ج - در شرایطی که به شرح الف و ب تعادل داخلی به سمت تولید نسبتاً بالاتر حرکت می‌کند، تعادل خارجی در همراهی تعادل داخلی توانایی خود را از دست می‌دهد و تنگناهای خارجی، فشارهای خود را بر اقتصاد داخلی تحمیل می‌کند. در این شرایط تنها شوک‌های ارزی است که می‌تواند تنگناهای ارزی را از بین ببرد و اقتصاد داخلی را توسعه دهد. این شوکها معمولاً از ۳ راه روی می‌دهد:

- ۱ - دریافت وام از خارج کشور
- ۲ - افزایش شدید قیمت مواد صادراتی در بازارهای جهانی
- ۳ - ایجاد وابستگی شدید و یک‌جانبه به نظام جهانی برای بهره‌مندی از سوبسیدهای سیاسی هر یک از این پدیده‌ها، بازار خارجی را با بازار داخلی همگام می‌کند و در اقتصاد،

چنین است. زیرا صادرات مواد خام این کشورها در بازار جهانی، معمولاً دارای منحنی تقاضای انحصاری است، بنابراین نسبت به تغییرات قیمت جهانی دارای واکنش محدودی است. این دو واقعیت موجب می‌گردد که شیب منحنی S_x در نمودار ۱۴ و شیب منحنی S در نمودار ۱۵ زیاد باشد.

منحنی‌های عرضه ارز و تقاضا برای ارز در نمودار ۱۶، نشان داده شده است. چون شیب این دو منحنی زیاد است، تغییر نرخ برابری باید قابل توجه باشد تا تراز پرداختها را متأثر کند و چون این امکان معمولاً وجود ندارد؛ بنابراین کاهش نرخ برابری به سختی می‌تواند کسری تراز پرداختها را بهبود ببخشد.

این واقعیت ما را به این نتیجه می‌رساند که اثر تغییر در نرخ برابری بر منحنی BP محدود است و تغییرات سطح قیمت‌ها است که منحنی BP را تغییر می‌دهد. و چون تغییرات قیمت در این کشورها در جهت افزایش فزاینده قیمت‌ها است، به طور معمول و با فرض فقدان منابع ارزی غیر معمول منحنی BP مدام به سوی چپ حرکت می‌کند.



ویژگی‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه بر مدل‌های اقتصاد کلان است. طبیعی است که از مدل‌های بدست آمده می‌توان سیاست‌های خاصی را استخراج نمود. این خود بخشی مفصل است که باید در مقالات دیگری به آن پرداخت. ولی نکته مهمی که سعی شده در این مقاله بر آن تأکید شود، این است که عدم توجه به ویژگی‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه و استخراج سیاست‌های تثبیتی از مدل‌های عمومی و مرسوم اقتصاد کلان، می‌تواند نتایج معکوس و بعضاً زیانباری برای کشورهای در حال توسعه داشته باشد. تنها در چهارچوب شناسایی این ویژگی‌ها و بررسی اثر آنها بر مدل‌های اقتصاد کلان است که می‌توان به درک درستی از مکانیسم‌های اقتصادی دست یافت و برای ساماندهی به وضعیت اقتصاد کلان کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های لازم را استخراج کرد.

گشایشهایی ایجاد می‌نماید. ولی موارد فوق تابع قانونمندی اقتصادی خاصی نیست و نمی‌تواند مبنای سیاست‌گذاری، تحلیل و یا برنامه‌ریزی اقتصادی باشد. بویژه که موارد ۱ و ۳ با مبانی ارزشی برخی از کشورها ناسازگار است و مورد ۲ مانده‌ای جهانی است که معلوم نیست در چه زمانی و با چه برنامه‌ای برای این کشورها آماده می‌شود. اگر مدل فوق را در منحنی‌های عرضه کل و تقاضای کل اقتصاد بررسی کنیم، می‌توانیم به فرایندهای مشخصی از تحولات اقتصادی این کشورها دست یابیم. ولی مسلم است که تمامی نتایجی که، بر پایه مفروضات این مقاله بدست آمده است، بر ویژگی‌های ساختاری کشورهای در حال توسعه، استوار است و در صورت تغییر این ویژگی‌ها از کشوری به کشور دیگر، مدل اقتصاد کلان و بنابراین سیاست‌های کلان نیز متفاوت خواهد بود. موضوع مقاله حاضر باز کردن بحث اثر

منابع

1. Paul Cook & Colin Kirkpatrick "Macroeconomics for Developing Countries" Harvester wheatsheaf England, 1990.

این کتاب تحت عنوان «اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه» ترجمه مرتضی ایمانی راد از انتشارات کالج، در سال ۷۱ به فارسی ترجمه شده است.

2. Malcolm Gillis et al, "Economics & Development." W. W. Norton & Company, Inc U. S. A, 1983

3. D. Bright Singh. "Economic Growth: problems, policies." New international Economic order, india, 1988

4. World Bank, World Development Report.

5. Demery, L. and Addison, F. "Stabilization, adjustment and the

poor." world development, vol 15 no 12 December, 1987.

6. Miguel Urrutia, "Financial Liberalization and the internal Structure of Capital Markets in Asia and Latin America." The United Nations University. 1988

7. Dornbusch, R. "Stabilization policies in developing countries:" "what have we learned?" world development, vol 10, no 9, September, 1982

8. Tue Wai, V. and Wong W. "Determinants of private investment in Developing countries." Journal of Development studies, vol 19, October, 1982

9. Dominick Salvatore "Theory and problems of International Economics" McGraw Hill, New York.

10. William H. Branson. "Macroeconomic Theory and policy." Harper & Row, publishers, New York, 1979